



شهید بلخی؛ سرمایه نمادین

مصطفی احمدی

سرمایه یک منبع کلی است که اجتماع، افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی و در نهایت کل جامعه از آن استفاده می‌کنند تا هدف‌های خود را تحقق ببخشند. به عبارت دیگر سرمایه هر منبع با ارزشی است که موجب خلق ارزش‌های تازه می‌شود، با دوام و ماندگار است، مصرفی نیست، استهلاک آن خیلی تدریجی است، قابلیت انباشت دارد و خودافزا است. به طور کلی و خلاصه می‌توان گفت تمام ابزارهایی که فرد، گروه‌ها، نهادها و کل جامعه برای رسیدن به هدف‌های‌شان از آن‌ها استفاده می‌کنند، سرمایه نامیده می‌شود.

سرمایه نمادین چیست؟

سرمایه را می‌توان در اشکال مختلفی دسته‌بندی کرد. به عنوان مثال سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین بخشی از این تقسیم‌بندی‌اند. سرمایه نمادین از کشف‌های جامعه‌شناسان در اواخر قرن بیستم به ویژه پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی است. سرمایه نمادین سرمایه‌ای است که قابلیت جذب انواع دیگر سرمایه‌ها را دارد؛ یعنی هم خودش سرمایه است و هم می‌تواند سرمایه‌های دیگر را تولید یا جذب کند. هر دارایی متعلق به جامعه که شهرت، توجه، احترام و افتخار برای بخشی از جامعه یا برای کل جامعه فراهم آورد، سرمایه نمادین به حساب می‌آید. ممکن است یک سرمایه نمادین حتی مورد نفرت بخش دیگری از جامعه نیز باشد و این خود بیانگر این است که برای بخش دیگری از جامعه، سرمایه

نمادین است و در واقع همان قدرت نمادین بودن آن سرمایه است که باعث ایجاد نفرت بخش دیگری که آن را به هر دلیلی دوست ندارند، شده است. سرمایه نمادین می‌تواند یک تعمیر قدیمی باشد (مانند قصر دارالامان، بودای بامیان، منار جام غور، آرامگاه‌های شاعران و بزرگان علمی کشور و...)، می‌تواند یک شخصیت تاریخی باشد (مانند شاعران و اندیشمندان چون ابن سینا، فارابی، مولانا و سید جمال‌الدین افغانی و...)، می‌تواند یک اثر فرهنگی باشد (مانند اشعار به جا مانده از شاعران و موادی که در موزه‌های کشور نگهداری می‌گردند و...)، می‌تواند یک پدیده اجتماعی باشد (مانند اعیاد فطر، قربان و...)، می‌تواند یک شخصیت زنده سیاسی، مذهبی و نظامی باشد (مانند رئیس جمهور فعلی و پیشین کشور، استاد دانش و...) و در نهایت می‌تواند یک شخصیت علمی یا فرهنگی یا هنری زنده باشد (مانند دکتر محمد امین احمدی، فرهاد دریا و...). بنابراین، شهید علامه بلخی و آثار به جا مانده از وی نیز می‌توانند به عنوان سرمایه‌های نمادین این کشور به حساب آیند؛ یعنی هم خود شهید علامه بلخی سرمایه نمادین برای کشور است و هم آثار او به طور جداگانه می‌تواند در این دسته‌بندی قرار گیرد. نکته قابل توجه در این زمینه این است که آثار به جا مانده از او تنها در اشعار وی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه مسیر فکری، فرهنگی و سیاسی را که برای جامعه به وجود آورده را نیز شامل می‌شود.



ضرورت حفظ سرمايه‌های نمادين

سرمايه نمادين يکي از انواع سرمايه‌های اقتصادی، انساني و اجتماعي است که به مرز شهرت، يعني به مرز آگاهي عمومي رسیده باشد؛ يعني يکي از انواع سرمايه‌ها است که وقتی يک گروه يا يک جامعه يا يک ملت اسم آن را می‌شنوند، احساس افتخار و احترام به آن‌ها دست می‌دهد. شهيد علامه بلخي و آثار به جا مانده از او نیز در کشور ما يکي از مصاديق سرمايه نمادين است که وقتی نام او، اشعار او، تفکر و اعمال عدالت‌طلبي و ظلم‌ستيزي او به میان می‌آید، برای تمام مردم عدالت‌طلب کشور احساس احترام و افتخار می‌آورد و اين نیاز احساس می‌شود که بايد راه و آرمان او ادامه يابد. امثالي مانند شهيد علامه بلخي و شهيد مزاری ابتدا سرمايه‌های انساني برای کشور ما بوده‌اند که از يک مرزي به بعد، تبديل به سرمايه نمادين شده‌اند. پس هرگاه يکي از انواع سرمايه‌ها وارد آگاهي عمومي که معمولاً می‌گوئيم به شهرت رسیده است، شود؛ به گونه‌ای که در گروه يا جامعه‌ای که آن سرمايه به آن تعلق دارد، احساس احترام و افتخار برانگيزد، آن سرمايه به مرز سرمايه نمادين رسیده است و می‌تواند در کنار حفظ ارزش خود و هر آن‌چه که منتسب به خودش است، آن ارزش‌ها را چندین برابر کند و ساير سرمايه‌ها را جذب کند. سرمايه نمادين برای کشورهای در حال توسعه و عقب مانده‌ای مانند افغانستان، از اهميت بسیار بالایی برخوردار است؛ چون می‌تواند پیوند دهنده ساير سرمايه‌ها باشد؛ يعني سرمايه نمادين می‌تواند نقطه اتصال بين سرمايه‌های اجتماعي، اقتصادي و انساني باشد. به تعبير ديگر می‌توان گفت سرمايه‌های نمادين مانند ستون‌های خيمه‌اند که می‌توانند بخش‌های مختلف جامعه را منسجم و عقلائی نگاه دارند. بنابراین، به طور کلی نه تنها نباید سرمايه‌های نمادين بالقوه و بالفعل خود را تخریب کرد؛ بلکه بايد بيش از پيش در حفظ آن کوشا بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باتوجه به تعاریف و مفاهيمی که از سرمايه نمادين ارائه شد، می‌توان گفت شهيد علامه بلخي يکي از سرمايه‌های نمادين کشور است. چنین سرمايه‌هایی می‌توانند در دوران ثبات باعث جذب و انباشت ساير سرمايه‌ها اعم از اقتصادي، انساني و اجتماعي شوند و از طرفی می‌توانند منشأ تحولات آرام و اصلاحگرانه جامعه نیز باشند. نقش مهم ديگر اين نوع سرمايه‌ها در دوران بی‌ثباتی و تنش است که می‌توانند مانع گسيختگی اجتماعي و سياسي در يک جامعه شوند.



اهمیت سرمايه نمادين

توسعه را می‌توان از منظر سرمايه نمادين مورد بررسی قرار داد و از اين زاويه، توسعه به معنای داشتن توانایی يک ملت در ايجاد، تکثير و حفاظت از سرمايه‌های نمادين جامعه است. اهميت سرمايه نمادين از اين جهت است که می‌تواند مانند آهن‌ربا ساير سرمايه‌ها به خصوص سرمايه‌های اقتصادي و اجتماعي را جذب کند. به عنوان مثال کشور سنگاپور يک حوزه پلیس را بر روی تپه‌ای که ۱۵۰ سال قبل در جنگ با انگلیسی‌ها با يک گلوله توپ آسیب دیده بود، ايجاد کرد و آن مکان را به عنوان سرمايه نمادين کشورشان تعيين کرد که هزاران توریست خارجی را به آن‌جا جلب می‌کند و از اين طريق سرمايه‌های اقتصادي را به کشورشان جذب می‌کند. به عبارت ديگر وجود سرمايه‌های نمادين در کشور می‌تواند باعث ورود و ايجاد جريان ساير سرمايه‌ها در کشوری مانند افغانستان شوند و از اين طريق اقتصاد کشور جان تازه‌ای بگيرد. بنابراین، هر کشوری که نتواند سرمايه نمادين تولید کند؛ توانایی تولید، جذب، نگهداری و انباشت ساير سرمايه‌های اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي و سياسي را نخواهد داشت. به طور کلی می‌توان گفت رشد و توسعه يک کشور زمانی امکان‌پذیر است که آن کشور بتواند سرمايه‌های نمادين را تولید، جذب و انباشت کند.

